



هدایت در قرآن



شرایط تلاوت

قرآن کریم، رسول خدا را اینچنین معرفی کرده است: «تَلَوْا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَزَكَّيْتُمْ وَيَلَّمُّهُمْ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» که این سه امر (تلاوت، تزکیه و تعلیم) جزء شئون رسالت است و قبل از اینکه پیامبر مأموریت پیدا کند به این سه امر، ابتدا درباره خود حضرت اجرا شد. آیات الهی بر ایشان خوانده شد و خداوند او را به کتاب و حکمت عالم کرد و او را تطهیر و تزکیه نمود، آنگاه قرآن فرمود: همین اموری را که خداوند درباره شما اجرا کرد، شما در باره مردم اجرا کنید، با این تفاوت که مردم نه مانند شما قدرت فیض یابی دارند و نه می توانند مستقیماً با فرشتگان یا بالاتر از فرشتگان تماس حاصل کنند.

بنابراین، خداوند مسئله تلاوت قرآن و تعلیم و تزکیه نسبت به پیامبرش را به عهده گرفت آنگاه او را با این صفات معرفی کرد و به او دستور داد که آیات الهی را بر مردم تلاوت کن همانگونه که من بر تو تلاوت کردم. مردم را به حکمت و علم آگاه نما همانطور که من تو را چنین نمودم. مردم را تطهیر و تزکیه کن همانگونه که من تو را تطهیر و تزکیه نمودم؛ البته با این تفاوت که رسول خدا «ص» مقاماتی را در هر سه امر داشت که

مخصوص به خود آن حضرت بود و دیگران به این درجات نرسیدند و نمی رسند.

تلاوت قرآن

در باره تلاوت قرآن، به انسانها دستور داد که تا آنجا که برای شما امکان پذیر و میسر است، قرآن بخوانید «فَأَقْرَأُوا مَا تَسَرَّوْا مِنَ الْقُرْآنِ»^۱.

این وحی الهی چگونه بر پیامبر خوانده شد؟

در قرآن می فرماید: ما قرآن را به حق بر تو تلاوت کردیم «تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَزَّلْنَاهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ»^۲ که در اینجا تلاوت مصاحب با حق است یعنی پوششی جز حقیقت ندارد و هیچ بطلانی در حریم آن راه ندارد.

چگونه تلاوت، حق می شود؟

تلاوت در صورتی حق است که:

- ۱- امر تلاوت شده حق باشد.
- ۲- تلاوت کننده درست تلاوت کند.
- ۳- تلاوت شنونده درست تلقی نماید.

به گوش رسول اکرم «ص» نیز برسد مطهر و مکرم است. در سوره «عبس» می فرماید: «فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ، مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ» آنقدر این آیات بلند است که بدست کسی نمی رسد؛ نه خوب فهمیدنش میسر است و نه مانند آن آوردن امکان دارد. این کتاب مرفوع است و در دسترس کسی نیست که انسان بتواند مانند او را بیاورد و در آن تحریف نماید و ضمناً از تمام آلودگیها نیز پاک و منزّه و مطهر است. و حاملان این وحی نیز امین و کریم و بارند «بایدی سفره کرام بره».

تلاوت به حق

بنابراین، از ما خواسته شده است که قرآن را «بالحق» تلاوت کنیم. در قرآن، گروهی از مؤمنین ادیان گذشته را که می ستایید، چنین می فرماید: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ بَلَّغْتَهُمْ حَقَّ تِلَاوَتِهِ» آنان که کتاب را به آنها رساندیم، آن را تلاوت به حق می کنند.

حق تلاوت کدام است؟

حق تلاوت در سوره انفال بیان شده است، آنجا که در باره مسلمانان می فرماید: «إِذَا قُلْتُمْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا» هنگامی که آیات خداوند بر آنها تلاوت می شود، بر ایمانشان می افزاید. این تلاوت به حق است که بر ایمان مؤمنان می افزاید نه آن تلاوتی که به حق نباشد که در روایت است: «رُبَّ نَالٍ لِلْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يُلْعَنُهُ» بسا کسی که قرآن را می خواند و قرآن او را نفرین می کند.

بنابراین، اگر خداوند این سه صفت و سه سمت را برای پیامبر اسلام «ص» تبیین کرد، با خود آن حضرت هم همانگونه رفتار نمود. نخست تلاوت بالحق بر او نمود، سپس او را مأموریت داد که: تو هم این صحف مطهره را بر مردم تلاوت کن. او را علم و دانش داد «وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ» آنگاه از او خواست که مردم را نیز با علم و حکمت آشنا سازد «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ». آن حضرت را بر اساس آیه تطهیر و تزکیه، مزگی نمود آنگاه فرمود: تو هم مزگی مردم باش. آنجا که در سوره نور بیان فرموده که اگر فضل خدا نبود، هیچ کس مزگی نمی شد، ناظر به همین است. «لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَايَ مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا». اگر فضل و عنایت الهی نبود، احدی به مرحله تموز و وحی و تزکیه جان نمی رسید.

نه تنها تزکیه از جانب خداوند است بلکه تمام کمالات از ناحیه خدای متعال می باشد و آنچنان نیست که انسانی ادعا

کند، کمالی از خود دارد بلکه هر چه هست از فضل و عنایت او است. ولی بعضی ها تدریجی و بعضی دفعی و بعضی کم و بعضی زیاد، از این فیوضات الهیه بهر مند می شوند.

طهارت شنونده

همانگونه که بیان شد، سفیران الهی و فرشتگان برگزیده الهی، صحف مطهره را بر پیامبر مطهر تلاوت می کنند. در مقام تلاوت هم آن انسانی توفیق تلاوت صحیح می یابد که طاهر باشد؛ لذا گفته اند: «طَهَّرُوا أَفْوَاهَكُمْ فَإِنَّهَا طُرُقُ الْقُرْآنِ» دهانهایتان را پاک نگه دارید که اینها راه های قرآن اند. یعنی اینطور نیست که انسان در روز هر چه از دهانش بیرون آمد بتواند بگوید، آنگاه شب توفیق خواندن قرآن با تلاوت حق پیدا کند زیرا قرآن صحیفه مطهره است و باید از یک مجرائی پاک بگذرد. پس وقتی دهان انسان شایسته عبور و مرور قرآن است که پاک باشد.

چگونه دهان پاک باشد؟

۱- حرف بد و سخن یاوه از آن بیرون نیاید.

۲- غذای حرام وارد آن دهان نشود.

آری! تلاوت قرآن باید از دهانی پاک بگذرد و گرنه آب صاف در یک نهر آلوده بالاخره دست خورده و آلوده خواهد شد. اگر قرآن از دهان ناپاک بیرون آید، مصداق «وَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ» بر او صادق خواهد بود.

اینکه در قرآن می فرماید: «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى»^۱ مستانه وارد نماز نشوید، یعنی بفهمید چه می گویند. البته انسان اگر هم نفهمد چه می گوید، نمازش صحیح است ولی یا اصلاً مقبول نیست و یا به قبولی کامل نمی رسد چون صرف تلاوت و صرف قرائت مطلوب نیست، «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» مطرح است. پس اگر چنانچه انسان نداند چه می گوید، او تنها نیتی کرده و با تکبیر وارد شده و با تسلیم از نماز خارج می شود، این نماز مسقط تکلیف هست، ولی قرب اهل تقوی نصیبش نمی شود چون بالاخره مستی جوانی یا سکر مقام و جاه و یا سکر دنیا را دارد. و این هنر نیست که انسان حداکثر کوشش او این باشد که خود را از عذاب نجات دهد، چه اینکه خداوند بسیاری از افراد را مانند بچه ها، دیوانه ها و مستضعفین فکری که دسترسی به مسائل نداشته اند، در روز قیامت نمی سوزاند و از عذاب رهایشان می سازد.

از این روی، روشن است که آن قربی که برای اهل تقوا

هست، برای این شخص که نمی داند چه می گوید و با که حرف می زند، نیست.

اولین گام در تطهیر این است که انسان غرور و خودخواهیش را در هم شکند که زمینه طهارت را فراهم کند. ملاحظه می کنید قرآن کریم می فرماید: ما باران را فرستادیم برای اینکه پاک کند، گاهی هم می فرماید: در هنگام نماز خواندن، اگر آب نصیبتان نشد، با خاک تیمم کنید، خدا می خواهد پاکتان کند. این انسانی که صورتش را خاک مالی کرده و غرور خود را شکسته است، خدا می خواهد پاکش کند؛ این دیگر تطهیر ظاهری نیست.

راه های تلاوت

در آن روایت که نقل شد، فرمود: دهانپایان را پاک کنید که اینها از راه های قرآن اند. البته گوش و چشم و دست و سایر اعضا نیز راه های قرآن است. آن گوش که غیبت را شنیده و دم برنیاورده، آن گوش که صدای ترانه شهوت انگیز را از زبان زن بیگانه ای شنیده و آن گوش که هزاران ناروا و تهمت و افترا شنیده و هیچ مخالفتی نکرده، چگونه می تواند آیات الهی را بشنود؟! بسم

از رسول اکرم «ص» نقل شده که می فرماید: «اعطوا العین حَقَّهَا» حق چشم را ادا کنید. عرض کردند: حق چشم چیست یا رسول الله؟ فرمود: «النَّظْرُ إِلَى الْمُصْحَفِ» نگاه کردن به قرآن زیرا تلاوت قرآن از روی قرآن، طبق حدیث، عبادت است. اگر چشم پاک نباشد، توفیق نظر به قرآن پیدا نمی کند. اعین خائنه که عمری تحت ولایت شیطان قرار دارند، توفیق نظر به مصحف پیدا نمی کنند.

نتیجه بحث

نتیجه بحث این بود که: سه سمت و سه امر برای رسول الله «ص» به نحو اتم و احسن انجام پذیرفت آیات الهی بر او بالحق تلاوت شد و خداوند او را عالم کرد و تزکیه و تطهیر نمود، آنگاه فرمود تو هم اینچنین بر مردم تلاوت کن و آنها را به حکمت و علم تعلیم نما و قلوبشان را از ناپاکی بدوردار تا هر کس به اندازه خودش چه در مقام تلاوت و چه در مقام تعلیم و تزکیه که هر سه باهم در ارتباط اند، فیض الهی را دریافت نماید.

آن دستی که ناپاک است به سوی قرآن نباید دراز شود
«لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ».

از این نتیجه می گیریم که طهارت در تلاوت و حتی شنیدن قرآن نیز شرط است، یعنی اگر گوشی سخنان باطل را شنیده و تطهیر نشده است، آیات الهی که بر آن می گذرد، نمی تواند آنها را بشنود «وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا».

کدام گوش، سخنان الهی را می پذیرد؟

«وَتَعَبَّهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ»^{۱۲} آن گوشی می تواند تذکرها و یادآوریهای پیامبران را بشنود و آیات الهی را بپذیرد که وعاء باشد. بعضی گوشها معبرند، هر سخنی را می پذیرند، این گوش وعاء نیست و اذن و واعیه نمی باشد. اگر گوش را پرده ای نامحسوس نپوشاند و واعیه باشد، می تواند آیات را درک کند.

بعضی از پرده ها و حجابها محسوس نیست بلکه خود محجوب است. «وَإِذَا قُرَأَ الْقُرْآنُ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا»^{۱۳} مستور به معنای ساتر نیست که بعضی ادبای پیرو ادبیات جاهلی گفته اند بلکه خود آن حجاب مستور و غیر محسوس است.

وقتی از حضرت امیر «ع» یا امام هشتم «ع» (که از هر دو بزرگوار نقل شده) می پرسند: چرا توفیق شب زنده داری نداریم؟ می فرماید: گناه روز نمی گذارد، شب بر خیزی و عبادت کنی. اینجا خود گناه، حجاب است ولی این حجاب مشهود نیست مانند دیوار، بلکه مستور است. اگر چنین حجابی در گوش بود، راه عبور قرآن از آن بسته شده و واعیه نمی باشد. پس بکوشیم که این حجاب را از چشم و گوش و دهان خود بزدائیم تا راه های قرآن پاک باشد و آیات الهی در ما تأثیر بگذارد.

- ۱- سوره مزمل، آیه ۲۰.
- ۲- سوره آل عمران، آیه ۱۰۸.
- ۳- سوره احزاب، آیه ۴.
- ۴- سوره تکویر، آیه ۲۱.
- ۵- سوره عبس، آیه ۱۵.
- ۶- سوره بینه، آیه ۱.
- ۷- سوره بینه، آیه ۲.
- ۸- سوره بینه، آیه ۳.
- ۹- سوره عبس، آیه ۱۳.
- ۱۰- سوره نساء، آیه ۴۳.
- ۱۱- سوره انعام، آیه ۲۵.
- ۱۲- سوره حافه، آیه ۱۲.
- ۱۳- سوره اسراء، آیه ۴۵.

